

میان دبستان و دبیرستان

نگارش آقای دکتر رضا زاده شفق

اگر بنا بود تمام محصلین عالم پس از اتمام دوره دبستان به دبیرستان روند کارها از هم پاشیده میشد. زیرا نخست آنکه هم وقت و پول ندارند تا شش سال دیگر از عمر عزیزا صرف تحصیلات متوسطه کنند و ناچار از تحصیل دست کشیده و بتدریج بکسب معاش می بردازند. دوم آنکه هر محصل حوصله و استعداد آموختن دروس متوسطه را که مخصوصاً در قدیم یکرنگ و یکسنگ بود و تحصیلات زیاد (از قبیل چندسال لاتین و یونانی و ریاضی و غیره در متوسطه های فرانستان) بمحصل روا میدید ندارد، سوم آنکه محصلین متوسطه بسکه زیاد میشدند کاری مناسب در ادارات دولتی و در خارج آن برای آنها پیدا نمیشد و اتفاقاً با اینکه تنها قسمتی از جوانان دبستانی داخل متوسطه میگرددند باز در پیدا نمودن شغل موافق دچار دشواری میشوند و از اقداماتی که برای چاره جوئی این مشکل در ممالک متمدن شده اینست که متوسطه را تا حدی از جنبه دستورهای خشک و بکنواخت بدر آورده و دروس و تعلیمات را در مدارس گوناگون و تا اندازه ای عملی نمایند و بجای یک یاد و شکل متوسطه های متنوع مناسب احتیاجات ترتیب دهند چنانکه در شماره اول این مجله اشاراتی راجع باین موضوع کرده بودیم.

پس همه ساله عدده زیادی از فارغ التحصیلان دبستانها مجبورند از تعقیب تحصیلات خودداری نمایند، حتی در ممالک متحده آمریکا که نسبت به ممالک دیگر وسایل تعلیم بیشتر است همین قاعده جاریست و یکی از احصائیه های سنوآب اخیر نشان میدهد که از ده میلیون تمام کرده دبستان نهاد در حدود پنج میلیون داخل متوسطه شده اند.

بدیهی است بحکم همین قاعده شماره مدارس متوسطه در هر یک از ممالک مهم عالم بمراتب کمتر از دبستانهاست و اگر جر این بودی گذشته از علل مذکور در فوق یک علت دیگر سیاسی هم پیدا میشد یعنی دولت ها مجبور میشدند بودجه هنگفتی باز بودجه معارف نمایند و بپداست که مصارف دبیرستان بطور کلی اضعاف مصارف دبستان است.

مطلبی که هست و مورد تأمل و توجه روسای معارف تمام ممالک متمدنی عالم قرار گرفته تهیه وسایل پیکرشته تحصیلات بین دبستان و دبیرستانست تا محصل با رفتی کمتر نتایجی عمایتر و سودمندتر بدست آورده و داخل کار زندگی گردد. گرچه عدده زیادی از دبستانها به محض اتمام دبستان از تحصیل صرف نظر نموده بکارهای کوچک حرفتی یا تجارتنی می بردازند و همین هم سبب شده که علمای تعلیم و تربیت فکری برای تنوع و انشعاب دبستانها بکنند و آنها را هم از خشکی و تنگنای دستورهای کهنه بدر کشیده و موافق احتیاجات تنظیم نمایند ولی از دیگر سو شماره زیادی می خواهند تحصیلات بیشتری به بینند و به معلومات محدود دبستان اکتفا نکنند و کسبی و هنری و صنعتی یاد گرفته خود را برای خدمات مهمتر برارزند نمایند، و البته جامعه هم احتیاج با این قبیل جوانان آزموده و عملی دارد و تنها محصلین ابتدائی نمیتوانند نواقص جامعه را رفع کنند و امور را چنانچه در خور است راه بیندازند. ولی بهمانطور که ذکر شد تحصیلات دبیرستان این مقصود را عملی نمیکند زیرا زیادی وقت و مصرف

و محدود و نظری بودن دروس مانع و اهمیت دبیرستان از لحاظ احتیاجات مهمتر و معلومات عالیتر است که هر کسی نمیتواند بآنها برسد. بهر صورت مسام است محصل دبیرستان (بشرطیکه دستور آن موافق اصول جدید و احتیاجات و از روی دقت نظر تنظیم شده باشد) نیز بجای خود برای ممکنات بسیار مفید است و اگر تحصیلات يك جامعه به دبستان و یا چندسال فزونتر منحصر بشود سوای تمدن و استعداد حیات و قابلیت آن جامعه یا نین خواهد رفت و دریاة پست تمدن خواهد ماند و صعود و ترقی نصیب آن نخواهد گردید .

پس چنانکه اشاره شد قسمت مهمی از جوانان هر مرز و بوم حاضر صرف وقت زیاد برای تحصیل نیستند و تحصیلات دبستان هم برای آنها کم است پس بجاست که مدارس مفید و عملی که سوای دروس آن مافوق دبستان و مادون متوسطه باشد تشکیل گردد و اتفاقاً این احتیاج را ممالک مهم عالم حس کرده و اینگونه مدارس تاسیس نموده اند. در ممالک متحده مدارس فوق ابتدائی «High School» بطور کلی برای انجام این خدمت است .

دورهٔ تحصیلات این مدارس از ابتدائی تا ختام معلولاً هشت تا نه سالست و موضوع دروس بیشتر مناسب احتیاجات علمی و صنعتی هر محل معین شده و فارغ التحصیلان آنها واقعا افراد مفید و آزروده هستند و در شعب مختلف تشکیلات اقتصادی و اجتماعی خدمت میکنند .

در فرانسه هم که سابقاً تنها مدارس متوسطه شیوع و رواج کامل داشت این سنخ مدارس عملی رفته رفته زیادتر میگردد و نوع آنها از همان مدارس ابتدائی عالی «Ecole Primaire Supérieure» شروع کرده و وسط یافته و تنوع پیدا میکند .

در انگلستان مخصوصاً از جنگ با اینطرف در باب تاسیس مدارس میانه اهمیتی خاص بوجود آمده و مخصوصاً بسال ۱۹۳۰ ادارهٔ کل معارف پیشنهادی مهم در توسیع و عملی کردن تحصیلات فوق ابتدائی « Post Primary education » تهیه نموده و احتیاجات محصلین انگلستان را باین سنخ مدارس تشریح نموده است. این مدارس درجه بین دبستان و دبیرستان را احراز نموده و در واقع میانه « Intermediary » هستند که هدف کلی آنها تعلیم يك عده موضوعهای مفید و کار آمد توأم با دروس مدنی مانند ادبیات و تاریخ و غیره میباشد. عنوان این مدارس در انگلستان «Senior School» است در آلمان این سنخ مدارس را معمولاً عالیتر از ابتدائی یعنی «Höhere Schule» گویند و از حیث تطبیقات و نتایج بسیار مفید و جالب نظر هستند .

خلاصه اینکه ممالک راقیه عالم احتیاج از و م بکرشته تحصیلات بعد از دورهٔ تحصیلات دبستان را حس کرده و تاسیس مدارس مناسب قیام نموده اند .

بنظر نگارنده وزارت جایزهٔ معارف ایران هم باید این موضوع را مورد توجه خاص قرار دهد از دحام مردم بمدارس و افزایش خواستاران تحصیل رفته رفته کار را سخت خواهد کرد و مقتضی است نقشه‌ای اساسی برای رفع این احتیاج تهیه شود . شمارهٔ تمام محصلین ایران در مدارس جدید به تقریباً دو بیست هزار است که بطور تخمین یکصدم تمام نفوس مملکت یا چیزی کمتر است و بحکم نسبت این عده بتدریج بالا رفته و برانب فزونتر خواهد شد .

یکی از اقدامات مهم و ضروری برای رفع این احتیاج بزرگ تهیه نقشهٔ دبستانهای متنوع مناسب نقاط مختلف ایران است . دومی هم فکر تاسیس مدارس میانه یا فوق ابتدائی است که قسمتی بزرگ از فارغ التحصیلان دبستانها را جادهد و اینطور نباشد که از طرفی عدهٔ زیادی از قسمت تحصیلات بیشتر محروم مانده از طرفی هم شمارهٔ زیادی بمتوسطه‌ها هجوم آورند . بوجوب احصای معارف محصلین دبستانها در تمام ایران در حدود ۱۳۰۰۰۰ و محصلین دبیرستانها در حدود ۱۲۰۰۰ است یعنی تقریباً

تهاده يك محصلين داخل دبیرستانها می شوند و مابقی یا از تحصیل بازمی مانند و بهمان تحصیلات ابتدائی کفایت میکنند و یا اینکه در صورت میل بدوام در تحصیل جا برای آنها پیدا نمیشود .

احتیاج جامعه ما باینگونه مدارس میانه نهایت درجه است زیرا ما در هر شعبه زندگی اجتماعی محتاج جوانان آزموده هستیم تا بتوانیم اصلاح اساسی در امور راه اندازیم مثلا تجار و کسبه بزرگ مسکک لازم است بر حسب ضرورت دفاتر و ادارات تجارتي خود را بر طبق اصول علمی عصر ترتیب دهند و دفاتر آنها سروتهی داشته و بر مبنای اقتصادی و حقوقی و مالی باشد و برای حصول این مقصود لازم است دفتر دار داشته باشیم و هر تجارتخانه دفتر دار تحصیل کرده عالی را نمی تواند استخدام نماید و احتیاج هم ندارد بلکه اگر مدارس سه ساله یا چهارساله تجارتي برای تهیه جوان دبستانی باین مقصود تاسیس یابد که محصل در آنجا يك زبان خارجه و يك حساب تجارتي و دفتر داری و ماشين تحریر یاد گیرد مورد فواید عظیم خواهد بود .

هم چنین است مدارس صنعتی و حرفتی . مثلا اگر اندازه صحیح ایران بخواهد نواقص و خطایای دوافر و شنی را از این ممالک مرتفع نماید مجبور است اجازه دوافر و شنی را منوط بتحصیلات خاص در مدارس عالی کوچک شیمی نماید و الزام کند که دوافر و شنی و شاکرد دوافر و شنی از آن مدارس دوساله یا سه ساله تصدیق داشته باشند .

هم چنین امور صنعتی ما رفته رفته بیش از پیش محتاج مقدمات علمی خواهد بود . نجارها و آهنگرهای کوچک يك ممالک مرفقی هم باید با اصول فنی امروز پی ببرند و الا با تحول سریعی که در آلات و ابزار شروع کرده دکانهای طرز قدیم زمان حضرت نوح بدر نخواست خورد ، و موسسات زیاد کوچک و بزرگ صنعتی در همین ممالک بوجود خواهد آمد و برای آنها معاونین و شاکردان لازم خواهد بود که مدارس کوچک دوساله و سه ساله و چهارساله صنعتی از عهد تعلیم آنها برمی آیند .

هم چنین است مدارس کوچک زراعتی و فلاحتی که موافق هر ولایت مورد احتیاج است تا محصلین آنها بتوانند به زرع و عهه ان زمین ها و تربیت و تولید انواع محصولات از روی اصول علمی آشنا باشند و کمک مهندسين بزرگ بشوند .

مدارس حرفتی می تواند محصلان آزموده برای بعضی ادارات هم تهیه نماید مثلا معاونین برای مهندسين بلدیه و طرق حاضر کند .

مدارس میانه برای عالم نسوان هم کمال ضرورت را دارد دبستانهای زنانه امر و جز یکمشت معلومات نظری و دوسه هنر عملی ناقص یاد میدهند و خانه ها ئی که بعد از ابتدائی داخل متوسطه میگردند بطور کلی نتیجه ای نمیگیرند و تنها بیکاره و نظری و تنبل بازمی آیند و یکمشت خود بیسند ظاهر ساز و آهونه رقص و سینما بوجرمی آیند . این ممالک مادر خوب و پرستار بچه و کلاغت خوب و خیاط و خوراک پز و امثال اینها لازم دارد ، و برای رفع اینگونه احتیاجات دانستن کمی فرانسه یا جغرافی یا عیدن زمین یا کس بی بانند پوشیدن هرگز بدر نده خورد و تربیت و تعلیم مفید عملی لازم است . اکنون در حدود ۵۰۰۰۰ دختر در مدارس ایران تحصیل میکنند و در آن میان دوترا که بچه داری بلد باشند یعنی صحیح کلمه نداریم تا بزرگ کردن و مواظبت بچه را آشنا باشند و مردم مجبور نشوند از سوبس دایه بیارند و یا اطول خود را دست يك مشت زن نادان کثیف داده مقدمات مرگ اولاد خود را بدست خود فراهم سازند . در این عصر بازن قدیم و کفقت که نه متعهد تربیت و اسطام خانه است که ظرف را در حوضی کثیف شسته و بچه را برای اینکه ساکت بخوابد تر یاک میدهند و یا خانم تازه «درس خوانده» بانوی خانواده است که جز و لخرچی و تجمل و آرایش و سینما چیزی بلد نیست .

مدارس عملی و مناسب احتیاجات وقت و کوتاه مدت زنانه لازم است که با تطبیق شرایط خاص و تعایب دروس سودمند عملی بکوشد دختر را آدم کند و آنها را صاحب هنر و آرموده و حاضر بزحمت و فداکار تربیت نماید .

خلاصه آنکه بنظر نگارنده ایران محتاج مدارس میانه‌ای که تمام دوره آنها از ابتدائی تا ختام باختلاف مراتب هشت و نه و ده سال را نگذرد و در سنوات نهائی دوره تحصیل بیشتر وقت را بدروس عملی صرف نماید اشد احتیاج را دارد و در آینده نزدیک تمام شعب جامعه از خانواده و مریضخانه و فابریک و تجارخانه و کارخانهای کوچک و ادارات و موسسات محتاج شاگرد و معاون و پرستار و خانه‌دار و صنعتگر درس خوانده و چیز فهم خواهد بود که دارای معلومات عملی متوسطی بوده و از شرایط ابتدائی فنون مذکور اطلاع داشته باشند .

بدیهی است فارغ التحصیل‌های دبیرستان و مدارس عالیتر احتیاجات بزرگتر را رفع میکنند نه هر کسی برای تحصیلات عالی وقت دارد و نه هر موسسه‌ای می‌تواند محصل عالی استخدام نماید .

مجالس خطابه

در دانشکده ها و دبیرستانها

از چندین پیش از طرف وزارت معارف در دانشکده ها و دبیرستان‌های طهران مجالس خطابه‌ای ترتیب داده است . از آنجمله خطابه ای هر یازده روز یکبار ایام پنجشنبه در دانشکده معقول و منقول از جانب یکی از فضلا ایراد میشود . نخستین مجالس خطابه این دانشکده از طرف حضرت اشرف آقای فروغی رئیس الوزراء در روز پنجشنبه اول آذر ماه افتتاح شد و آقای رئیس الوزراء خطابه بسیار جامع و فاضله ای راجع بانلاطون و عقاید وی ایراد فرمودند و تا اکنون سه خطابه دیگر بطریق ذیل در دانشکده مزبور ایراد شد است :

پنجشنبه ۱۵ آذر از طرف آقای تدین استاد دانشسرای عالی راجع بفن خطابه .

» ۳۰ « د کتر ولی الله خان نصر مدیر کل معارف راجع بتکامل فکر بشر

» ۱۵ دیماه « ره‌نامه مدیر محترم جریده ایران و نماینده مجلس راجع بمولوی

همچنین در دانشکده حقوق و سیاسی نیز مجالس خطابه از روز پنجشنبه ۲۳ آذر ماه

آغاز شد و نخستین مجالس این دانشکده نیز از جانب حضرت اشرف آقای دادگر رئیس محترم دارالشورای ملی افتتاح گردید و معظم له خطابه جامعی راجع بسیر تکاملی قانون در ایران ایراد فرمودند و در جلسه بعد هم که در تاریخ ۲۰ دیماه منعقد شد از طرف جناب مستطاب اجل آقای متین دفتری معاون محترم وزارت عدلیه خطابه ای راجع بجامعه مال و تطورات آن ایراد شد .

علاوه برین جمله در دانشسرای عالی و دبیرستان های دارالفنون و شرف نیز همه هفته

خطابهائی از جانب اساتید و دبیران فاضل برای محصلین ایراد می‌شود . نخستین جلسه خطابه دبیرستان دارالفنون را آقای د کتر رضا زاده شفق استاد دانشسرای عالی در روز سه شنبه یازدهم دیماه با ایراد خطابه سودمندی بعنوان « انتظام و تربیت » افتتاح نمودند .